



سرشناسه:	بهداروند، محمدمهدی، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور:	بررسی چالش‌های علمی، آموزشی فراوری نظام آموزشی حوزه علمیه قم/ محمدمهدی بهداروند.
مشخصات نشر:	قم: نورالامین، ۱۴۳۹ق، = ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۲۷۱ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۷۳۴۸-۵-۶
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۲۶۷ - ۲۷۱.
دع:	حوزه علمیه قم -- برنامه‌های درسی
موضوع:	حوزه‌های علمیه -- ایران -- قم -- هدف‌ها و نقش‌ها
دع:	
and objectives	* Islamic theological seminaries -- Iran -- Qom --
رده بندی کنگ:	۱۳۹۶ ب۴ ب۹ ب۴۷ / BP۷
رده بندی - یویی:	۲۹۷ / ۰۷۱۰۵ / ۱۲۸
شماره کتابشناسی ملی:	۴۹۳۹۰۷

بررسی چالش‌های علمی، آموزشی فراوری نظام آموزشی حوزه علمیه قم
 مؤلف: محمدمهدی بهداروند
 چاپ اول: ۱۳۹۶ش / ۱۴۳۹ق
 ناشر: نورالامین
 ● چاپ: نارنجستان ● قیمت: ۱۷۵۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۳۰۰ نسخه

بررسی چالش‌های علمی، آموزشی
فراروی نظام آموزشی
حوزه علمیه قم



حداً مهدی بهداروند

معارف اسلامی ناب، نیاز بشر تشنه معنویت امروز است. در دوران که بسیاری آن را عصر پایان جهان می‌دانند، گرایش به دین و معنویت، سرعتی شگفت یافته است. در این میان اسلام بیشترین سهم را از این گرایش به دین دارد، و چرا چنین باشد؟ اسلام دین انسانی زیستن، عدالت‌پروری و عشق به همنوع است، و بشر این عصر، این گوهر گمشده را در اسلام باب یافته است.

از سوی دیگر گسترش پرستاب رسانه‌ها و ابزارهای انتشار اطلاعات، بی‌وقفه موجب دید آمدن پرسش‌ها و شبهات جدیدی می‌شود که اندکی پیش از این، هیچ‌کدام از آنها قابل تصور نبود. این انفجار اطلاعات به‌ویژه در دنیای مجازی، اغلب فرصت ژرف‌اندیشی را از انسان سلب می‌کند و همین موجب شناخت نادرست و ناقص از بسیاری امور، به‌ویژه مفاهیم و معارف دینی می‌گردد.

بنابراین، تبلیغ و نشر مؤثر معارف اسلامی ناب، بحالت خطیری است که بر عهده همه متولیان این امر می‌باشد. بدون تلاش خالصانه و آگاهانه برای رسیدن به اهداف، پتانسیل عظیمی که در گرایش بشر به معنویت در این عصر پدید آمده، به هدر خواهد رفت.

نشر «نورالامین» به سهم خود می‌کوشد تا بخش اندکی از رسالت عظیم نشر معارف اسلامی ناب را به بهترین شکل ممکن انجام دهد و در این راستا از پیشنهادها و انتقادهای همه فرهیختگان این عرصه، برای غنا بخشیدن به آثار خود استقبال می‌کند.

فهرست

۱۱.....	مقدمه
۱۱.....	موضوع و ضرورت
۱۶.....	سؤالات تحقیق
۱۷.....	پیشینه تحقیق
۱۷.....	روش تحقیق
۱۸.....	نوع تحقیق
۱۸.....	چیکه روند تحقیق حاضر
۱۸.....	حسن ختام
۲۱.....	مفهوم‌شناسی
۲۱.....	چالش
۲۱.....	۱. معنای لغوی
۲۲.....	۲. معنای اصطلاحی
۲۵.....	۳. واژه‌های مشابه و هم‌جوار
۲۸.....	نظام آموزشی
۲۸.....	حوزه علمیه
۲۹.....	پیشینه حوزه علمیه

بخش اول: شناخت و بررسی چالش‌های فراروی حوزه علمیه

۳۵.....	فصل اول: تعاریف و مفاهیم
۳۵.....	مقدمه
۳۵.....	تجزیه سخنان معظم له براساس سه وصف «اصلی، فرعی و تبعی»
۳۶.....	تفکیک نکات اصلی و دسته‌بندی آنها براساس سه وصف «اصلی، فرعی و تبعی»
۳۶.....	ملحق کردن تقطیعات فرعی و تبعی به تقطیعات اصلی طبقه‌بندی شده

تعاریف و مفاهیم.....	۳۷
تعریف و ضرورت «حفظ، ترمیم و بالندگی» در حوزه.....	۳۷
۱. تعریف «حفظ» و عدم کفایت آن.....	۳۷
۲. ریف ترمیم و عدم کفایت آن.....	۳۸
۲. تعریف «بالندگی» و ضرورت آن.....	۴۰
فصل دوم: متن کامل طبقه‌بندی شده رهنمودهای مقام معظم رهبری.....	۴۳
محور اول: ضرورت بررسی و علاج وضع موجود حوزه برای ایجاد حوزه‌ای بالنده در آینده.....	۴۳
۱. ضرورت بررسی وضعیت موجود حوزه برای شناسایی و علت‌یابی نارسایی‌ها.....	۴۴
الف) حوزه دارعالیت‌های گذشته.....	۴۴
ب) ضرورت بررسی نارسایی‌های حوزه.....	۴۵
ج) ضرورت علت‌یابی نارسایی‌ها.....	۴۶
۲. ضرورت بررسی وضعیت موجود حوزه، برای شناسایی موانع و راهکارهای ترمیم و بالندگی.....	۴۶
الف) «حفظ» و محقق بودن آن در حوزه.....	۴۶
ب) «ترمیم» و ضرورت آن در حوزه.....	۴۷
ج) «بالندگی» و ضرورت آن در حوزه.....	۴۸
۳. ضرورت بررسی وضعیت موجود حوزه، به علت مناسب نردن زمان برای انجام اصلاحات.....	۵۰
الف) انجام ندادن اصلاحات لازم در حوزه متناسب با انگیزه‌های اصلاحی.....	۵۰
ب) ناممکن بودن اصلاح حوزه در زمان گذشته و ممکن بودن آن در زمان حکومت اسلامی.....	۵۱
ج) امور قابل توجه در اصلاح حوزه.....	۵۱
محور دوم: بررسی وضع موجود حوزه.....	۵۲
۱. بیان نارسایی‌ها.....	۵۲
الف) عقب بودن حوزه از پاسخ‌گویی به نیازهای زمان.....	۵۲
ب) استفاده نکردن بهینه حوزه از نیروهای انسانی موجود.....	۵۶
ج) گسترش نیافتن کمی لازم حوزه برای پاسخ‌گویی به نیازها.....	۵۷
د) گسترش نیافتن محتوایی حوزه.....	۵۸
ه) گسترش نیافتن حوزه در نشر و تبلیغ.....	۵۸
۲. علت‌یابی نارسایی‌ها.....	۵۹
الف) نابالندگی فقه.....	۵۹
ب) عدم بالندگی کلام.....	۶۳

۶۵.....	ج) عدم بالندگی تبلیغ.....
۶۸.....	محور سوم: بررسی راهکارهای آینده حوزه.....
۶۸.....	۱. سیاست های زمینه ساز آغاز اصلاحات در حوزه.....
۶۸.....	الف) لزوم قبول درد توسط حوزویان.....
۶۸.....	ب) همت گماشتن برای علاج.....
۶۹.....	۲. سیاست های سازمان دهی.....
۶۹.....	الف) لزوم تصدی مرکزی برای مدیریت انجام اصلاحات.....
۷۰.....	ب) لزوم ایجاد سطوح های مختلف از برای پرورش افکار.....
۷۲.....	۳. سیاست های آموزشی.....
۷۲.....	الف) لزوم تدوین کتب درسی.....
۷۴.....	ب) لزوم کاربردی بودن مباحث در سطح خارج.....
۷۵.....	ج) لزوم ایجاد دو رشته مستقل فقه و کلام.....
۷۵.....	د) لزوم یادگیری زبان خارجی.....
۷۶.....	۴. سیاست های برنامه ای.....
۷۶.....	الف) تقسیم تدریجی طلاب برحسب اهداف.....
۷۷.....	ب) تعیین مقدرات انسانی حوزه در انجام اصلاحات (حوزه فضلالی جوان دستگاه مدیریت).....
۷۷.....	۵. سیاست اجرایی.....
۷۷.....	پیشنهاد تشکیل سمینار.....
۷۹.....	فصل سوم: طرح چند احتمال درباره چگونگی پیگیری رهنمودهای مقام رهبری و انتخاب احتمال برتر.....
۹۱.....	فصل چهارم: برداشت هدف اصلی از رهنمودهای مقام معظم رهبری.....
۹۳.....	فصل پنجم: بررسی و تحلیل چالش های علمی آموزشی فراروی نظام آموزشی حوزه علمیه.....
۹۳.....	تعریف آموزش در سطوح سه گانه (حفظ، ترمیم، بالندگی).....
۹۳.....	۱. تعریف «آموزش» با ابزار پرورش روحی، رشد ذهنی و ارتقای عملکرد.....
۹۶.....	۲. انزوای فرهنگی در سطح «حفظ آموزش».....
.....	۳. انفعال فرهنگی در سطح «ترمیم آموزش».....
۱۰۱.....	۴. ابتکار عمل فرهنگی در سطح «بالندگی آموزش».....
۱۰۵.....	شیوه ها و راهبردهای بالندگی در آموزش.....
۱۰۶.....	بالندگی در حوزه محتوای آموزشی.....

بخش دوم: ارزیابی عملکرد علمی - آموزشی نظام آموزشی حوزه علمیه

فصل اول: بررسی و تحلیل نقاط قوت و امتیازات نظام آموزشی موجود در حوزه علمیه	۱۱۳
مقدمه	۱۱۳
اشاره‌ای گذرا به آموزش‌های اسلامی در حوزه علمیه	۱۱۴
بررسی و تحلیل نقاط قوت و امتیازات نظام آموزشی موجود در حوزه علمیه	۱۱۷
۱. ساختار آموزش	۱۱۷
۲. سوای آموزش	۱۱۹
۳. مدیریت آموزش	۱۱۹
جمع‌بندی نهایی	۱۲۶
فصل دوم: بررسی و تحلیل نقاط ضعف و کاستی‌های نظام آموزشی موجود در حوزه علمیه	۱۲۷
ساختار آموزش	۱۲۷
محتوای آموزش	۱۲۹
چالش‌ها و اولویت‌های آموزشی علمی حوزه	۱۳۱
برنامه آموزش	۱۳۶
فصل سوم: جمع‌بندی و ارزیابی	۱۴۵
فصل چهارم: اقتراح	۱۵۱
آسیب‌های آموزشی حوزه علمیه از دیدگاه شهید مطهری	۱۵۱
فصل پنجم: مروری بر آسیب‌های علمی - آموزشی حوزه علمیه	۱۵۳
سیاست آموزشی	۱۵۳
آسیب‌های نظام آموزشی	۱۵۷
۱. انبوه‌خوانی و کاهش عمق	۱۵۷
۲. مدرک‌گرایی	۱۵۷
۳. فراموش کردن سنت‌ها	۱۵۸
۴. خارج شدن از بُعد اخلاقی	۱۵۸
دوره‌های آموزشی جامعة المصطفی (ع)	۱۶۱
فصل ششم: راهبردها و موانع پیشرفت نظام آموزشی و پژوهشی حوزه	۱۶۳
درآمد	۱۶۳
عوامل و موانع پیشرفت نظام آموزش حوزه علمیه	۱۷۳

۱۷۳	۱. عوامل پیشرفت نظام آموزشی
۱۷۳	الف) تنظیم نظام آموزشی مطابق شرایط زمان
۱۷۷	ب) رعایت شرایط لازم در تدوین متون درسی و پژوهشی
۱۸۱	ج) طرح تغییر مواد و متون درسی
۱۸۱	د) موضوع علم
۱۸۸	۳. شرط متأخر
۲۰۱	الف) شرایط گزینش استاد
۲۱۰	ب) شرایط اسیر
۲۱۴	جمع‌بندی
۲۱۷	فصل هفتم: آسیب‌شناسی نظام آموزشی حوزه و ارائه راهکارها
۲۱۸	هندسه دانش‌های نظام آموزشی حوزه
۲۲۰	رویکرد تخصصی به دانش‌های حوزه
۲۲۳	تدوین دوره‌های آموزشی با رویکرد بین‌رشته‌ای
۲۲۶	تدوین و اجرای نظام آموزشی پژوهش‌محور
۲۲۹	فصل هشتم: متون آموزشی حوزه کاستی‌ها و بایستگی‌ها
۲۳۰	بایستگی‌های متون آموزشی
۲۳۰	۱. برخورداری از محتوای مناسب
۲۳۳	۲. منطبق بودن با سطح علمی مخاطب
۲۳۵	متون آموزشی حوزه و رعایت اصل انطباق با نیازهای مخاطبان
۲۳۶	۳. برخورداری از شیوه فراآموزی
۲۳۷	مشکلات ناشی از توجه نکردن به شیوه فراآموزی
۲۳۷	۱. تعقید و پیچیدگی عبارتی
۲۳۹	۲. یادکردن قیل و قال‌ها
۲۴۱	۳. قبص و بسط نامناسب مسائل
۲۴۰	۴. غفلت از تاریخچه علوم
۲۴۱	۵. عدم استفاده از مثال‌های گویا
۲۴۱	۶. طرح مطالب غیر ضروری یا کم‌فایده
۲۴۱	الف) حقیقت شرعیه
۲۴۲	ب) اشتراک

۲۴۲	ج) مشتق
۲۴۲	د) مقدمه واجب
۲۴۳	نتیجه‌گیری
۲۴۵	فصل نهم: بایستگی ایجاد هیئت‌های علمی در حوزه‌های علمیه
۲۴۶	ضرورت تحول در نظام آموزشی
۲۴۸	هیئت‌های علمی آموزشی
۲۵۰	هیئت‌های علمی پژوهشی
۲۵۲	وظایف گروه علمی پژوهشی
۲۵۵	فصل دهم: مرور بر موضوع تحول در نظام آموزشی
۲۵۵	انگیزه‌های تحول حوزه
۲۵۶	محور مطالبات مخاطبان حوزه
۲۵۷	رویکردهای سه‌گانه در پاسخ‌دهی به مطالبات جدید
۲۵۸	عمیق‌ترین نقطه آسیب‌پذیری حوزه
۲۶۱	تحولات درونی حوزه در مقیاس تمدن
۲۶۳	لزوم تهیه بستر تولید اطلاعات
۲۶۴	معنای وحدت حوزه و دانشگاه
۲۶۷	کتابنامه

مقدمه

موضوع و مرور

پژوهش حاضر، با عنوان «بررسی چالش‌های آموزشی فراروی حوزه علمیه قم» صورت گرفته است. آنچه در این پژوهش به جامود توجه قرار گرفته، بررسی موضوع چالش‌های آموزشی، تبلیغی و تحقیقی به صورت عام، چالش‌های علمی و آموزشی به صورت خاص با محوریت فرمایش‌های مقام معظم رهبری آیت الله العظمی خامنه‌ای است.

بنابراین، در این تحقیق دو مسئله را مورد دقت و کنکاش قرار می‌دهیم.

الف) بررسی عملکرد عمومی حوزه علمیه در ابعاد مختلف؛

ب) بررسی عملکرد نظام آموزشی حوزه علمیه، چالش‌های فرارو.

ضرورت این پژوهش پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جایگاه ویژه حوزه‌های علمیه در نظام اسلامی در عرصه‌های مختلف آن و نقش و منزلت روحانیت مشخص می‌شود؛ زیرا با پیروزی انقلاب اسلامی و ورود حوزه‌های علمیه و روحانیت به عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری اجرایی و در اختیار داشتن ابزارهای رسانه‌ای فراگیر، فصل نوینی در رنگ‌سازان توسط حوزه‌های علمیه به وجود آمد. اما حوزه به دلیل نداشتن شیوه لازم برای ورود به این عرصه، با کاستی‌هایی روبه‌رو بود. اینک پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، شاید است حوزه‌های علمیه و روحانیت، نقش و جایگاه و منزلت خود در عرصه‌های تبلیغ، آموزش و پژوهش را بازبینی کند و با مطالعه و بررسی نقادگونه و به عبارت دیگر، شناخت چالش‌های فراروی حرکت مبارزه حوزه، به ارزیابی خود و ارائه ترسیم و تصویر عملکرد مطلوب و مورد انتظار بپردازد و سیاست‌های لازم را برای رفع نواقص احتمالی اتخاذ کند.

به هر تقدیر، مجموعه این عوامل، ایجاب می‌کند تا پیش از همه، خود حوزه‌های علمیه به بازبینی رسالت مطلوب و نقش موجود روحانیت بپردازد و پس از آن، شنوای ارزیابی منصفانه بیرون مجموعه باشند تا در نهایت، به ارتقای منزلت و اثرگذاری این قشر خدوم بینجامد. از این رو، امروزه هر کس که از مسائل اجتماعی آگاه است، به ناقص بودن نظام آموزشی حوزه اذعان دارد و در رفع این نقیصه می‌کوشد. از علوم شرعی اصلی که برای شناخت معارف اسلامی بیان شده حوزه فقط به فقه بسنده کرده و علوم دیگر را به فراموشی سپرده است.

بی‌توجهی حوزه به علوم دیگر، باعث شده است که محصول طبیعی حوزه با نیازهای عقیدتی و مذهبی جامعه هم‌هنگ نباشد.

شهید مطهری که در مسائل فقه، اصول، فلسفه و کلام صاحب نظر بود، سخنان زیادی درباره کاستی‌ها و نواقص محصولات علمی حوزه‌های آن دارد. از ایشان درباره آموزش‌های حوزه، که به هیچ وجه هماهنگی با زمان ندارد، نقل شده است که:

وقتی به تهران آمدم، متوجه شدم که آنچه من در حوزه آموخته‌ام، قابل عرضه نیست و طالبی ندارد و آنچه را که مردم از من می‌خواهند من آماده نکرده و نیاموخته‌ام.^۱

سخن شهید مطهری (رحمه الله) حکایت از واقعیتی دارد که نظام آموزشی حوزه، گرفتار آن است. محصول این نظام آموزشی، جواب‌گوی نیازهای جامعه نیست و اهدافی را که برای تشکیل حوزه ذکر شد، به هیچ‌روی تأمین نمی‌کند.

برخی که به هرگونه تغییر و تحولی به دیده سوء ظن می‌نگرند، استدلال می‌کنند نظام آموزشی حوزه، هیچ‌گونه اشکال و ایرادی ندارد، متون آموزشی آن از اتقان و دقت فقهی و احادیثی برخوردار است و همین نظام آموزشی بوده که شخصیت‌های برجسته و بزرگوار و دانشمندی را به جهان اسلام عرضه کرده و مسلمین از علم و دانش آنان سود می‌برند. شهید مطهری، شهید صدر، شهید بهشتی، شهید باهنر، علامه طباطبائی و بالاخره امام خمینی، همه و همه محصول نظام آموزشی حوزه هستند. هر یک از این شخصیت‌ها منشأ آثار مثبت و افکار

عالی‌اند. بنابراین، اشکالی در حوزه و نظام آموزشی و متون آن وجود ندارد؛ ولی باید به صراحت گفت که این سخن، دور از واقعیت‌های عینی است. درست است که این بزرگواران جزو علما و فقه‌ایی بوده و هستند که در حوزه، آموزش دیده‌اند، اما آیا فقط نظام آموزشی حوزه آنها را پرورده است.

شهر مطهری، اعتقاد دارد که آنچه در حوزه آموخته بود، طالب نداشت و آنچه بایسته بود، نیاموخته بود. اگر این افرادی را ملاک قرار می‌دهند، آنان محصول مستقیم نظام آموزشی حوزه نیستند. به این معنا که هر کس دروس رسمی حوزه را بخواند، مطهری یا بهشتی شود.

اگر ما با چنین شخصیت‌هایی روبه‌رو می‌شویم که در صدد پاسخ‌گویی به نیازهای امروز ما هستند، ایشان جدای از برنامه‌های آموزش حوزه، اقدام به مطالعه و تحقیق کرده تا به این مراحل رسیده‌اند. بیشتر آنها بلکه تمام‌ن، کسانی‌اند که ما را از محدوده حوزه فراتر نهاده و با محیط‌های علمی دیگر آشنا شدند و به بررسی مسائل توجه داشتند و به رفع مشکلات آن پرداختند. اهمیت و ویژگی این عده، در هدایت درد آشنایی و آگاهی و اطلاع ایشان از مسائل و نیازهای جامعه بود.

علامه طباطبایی رحمته‌الله اگر رشد می‌کند و افکارش می‌درخشد و شاگردانش برای اسلام مفیدند، نه از باب آن است که در چارچوب نظام آموزشی حوزه گام نهاده، بلکه از آن روست که نظام آموزشی حوزه را کافی ندانسته و به جای فقه و اصول و نوشتن رساله‌هایی و گردآوری مرید، به قرآن پرداخته و تفسیر کبیر *المیزان* را نوشته و در زمانی که خواندن *المفسر* جرم بوده و خلاف تلقی می‌شده، آن را به طلاب و شاگردانش تدریس می‌کرده و در این باب نیز به متن‌ها و کتاب‌های مصطلح حوزه بسنده نکرده، بلکه با مکاتب فلسفی جهان آشنا شده و آنها را به نقد و بررسی گرفته است. به تعبیر یکی از شاگردانش:

همه بحث‌هایی که غربی‌ها یا شرقی‌ها راجع به دین اسلام داشتند، شبهاتی که داشتند، ایشان در این بحث‌ها (فلسفه) آورد و طلبه‌ها را از محدوده درس‌های حوزه‌ای بیرون

کشیده، شاگردان ایشان به سلاح علوم کلاسیک حوزه و اطلاعات متفرقه و مسائل اجتماعی، فلسفی، سیاسی و چیزهای دیگر مجهز شدند.^۱

بنابراین، افکار علامه طباطبائی ناشی از نظام آموزشی حوزه مبتنی بر فقه و اصول نیست. وی نه تنها خود را از محدوده علوم مرسوم رها می‌سازد، بلکه شاگردان بصیر و آگاهی تربیت می‌کند که از محدوده علوم حوزه، پا را فراتر می‌نهند. شهید مطهری، بهشتی، باهنر، مدح و ... محصلان این مکتب بوده‌اند.

اگر چه صدور انکار و نظراتش از ارزش و تازگی و عظمت برخوردار است، از آن درست که پا را از محدوده علوم معمولا حوزه فراتر نهاده و با نگاهی باز و شیوه‌های جدید به مسائل اسلامی پرداخته است.

یا اگر امام خمینی (ره) کشور ایران را نجات داد و اسلام را زنده ساخت، از آن روست که هنگام تحریم فلسفه و بی‌توجهی به اخلاق و عرفان مسائل سیاسی، به این امور می‌پردازد و به مسائل سیاسی جامعه و آینده اسلام حساس است.

از سند تاریخی که از ایشان در کتابخانه وزیری برد به تاریخ ۱۱ جمادی الاول ۱۳۶۳ قمری به یاد مانده، این معنا را به خوبی می‌فهمیم این نامه، از قیام‌الله و قیام برای نفس سخن می‌گوید و از بی‌توجهی و ترک قیام اظهار نگرانی می‌کند: «خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما پیروز کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران در آورده...»^۲.

البته باید توجه داشت که هدف ما نفی نقش حوزه در تربیت چنین وارسنگانی نیست، بلکه مقصود ما بیان کاستی‌های نظام آموزشی حوزه است که باید برای رفع آن کوشش کرد. البته اگر ما ملاک را علمایی بدانیم که نام آنها ذکر شد و آنها را از ثمرات نظام حوزه علمیه و افتخارات آن بدانیم - که به حق چنین است -، باید به این نکته توجه کنیم که مدعیان اصلاح

۱. مکتب جمعه، ج ۴، ص ۱۰۶، از خطبه‌های حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی.

۲. سید روح الله خمینی، صحیفه نور، ج ۱، ص ۳.

نظام حوزه، همین گروه هستند؛ اینان اند که نیاز جامعه را فهمیده و مشکل حوزه را دریافته و برای پاسخ‌گویی به این نیاز و رفع مشکل حوزه و نظام آموزشی آن کوشیده‌اند.

شهید صدر رحمته‌الله کتاب‌هایی درباره اصلاح متون آموزشی حوزه می‌نگارد و *المعالم الجاهلیه و حلقات فی الاصول* را می‌نویسد.

علاء طباطبائی، تفسیر و علوم قرآنی و فلسفی و کلامی را وارد حوزه می‌کند و در راه اصلاح متون آموزشی حوزه، نگارش *بدایه الحکمه و نهایت الحکمه* همت می‌گمارد.

شهید مطهری از هیچ البلاغه، قرآن و مسائل اسلامی سخن می‌گوید و مشکل اساسی حوزه را بررسی می‌کند. در راه بهبود وضعیت نظام آموزشی، پیشنهادهایی ارائه می‌دهد.^۱

شهید باهنر با نوشتن مقاله «پیره یا تحول» در راه بهبودی نظام آموزش حوزه گام می‌نهد. شهید بهشتی در این باره به تأسیس مدرسه‌ای با برنامه‌ای منظم و علمی خارج از محدوده علوم معمول حوزه می‌پردازد و مقامی در این باب، ارائه می‌دهد. امام خمینی رحمته‌الله نیز بر اصلاح حوزه تأکید می‌کند و اجتهاد مصطلح در حوزه‌های علمیه را کافی برای جواب‌گویی مشکلات جامعه نمی‌داند و بی‌اطلاع از مسائل سیاسی، اجتماعی و روابط بین‌المللی را مجتهد در این مسائل نمی‌داند و در این زمینه می‌نویسد:

مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که در اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جاست که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد؛ بلکه یک فرد اگر اسم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد، ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به‌طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فایده‌ی بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد.^۲

۱. ر.ک: مرجعیت و روحانیت، نوشته جمعی از دانشمندان و هم‌چنین کتاب *پیرامون جمهوری اسلامی*

نوشته استاد شهید مطهری.

۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۷.

امام علیه السلام که از اصلاح و تحول سخن می‌گوید و اجتهاد مصطلح را کافی نمی‌داند؛ از آن روست که کمبودها، کاستی‌ها و نواقص را درک کرده و با آن روبه‌رو شده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای نیز که از دیرباز با مشکلات و نابسامانی‌های حوزه و کج‌بودها و کاستی‌های آن آشنا بوده، آخرین سخن را در باب اصلاح حوزه و تحول آن در تمام ابعاد، در جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه اسلامی و حاکمیت‌الله همراه با طرحی مدون و پیش‌پهادها برای حوزویان به ارمغان آورد و انتظار دریافت این ارمغان الهی را از دل سوزان حوزه و متقدمان به اسلام دارد.

برای این که بحث و ضرورت تحول و اصلاح نظام آموزشی حوزه ملموس و عینی گردد، لازم است درباره مواد درسی، متون درسی، روش‌های آموزشی و ساختار فعلی حوزه بحث کرد و به ارزیابی آنها پرداخت که البته مقاله‌ای دیگر فرصت بیشتر دارد.

بنابراین، تجدید نظر در متون و روش‌های درسی حوزه و افزودن مواد تحصیلی جدید به آن لازم به نظر می‌رسد که حوزه تا کنون به آن بها نداده است؛ مواد درسی و آموزشی که بتواند اهداف مذکور را تأمین سازد و نیازهای علمی و عقیدتی - اسلامی جامعه را بر طرف کند. این دیدگاهی است که بیشتر افراد به آن معتقدند، ولی بی‌ترتیب و حسارت لازم برای اجرای این هدف وجود ندارد، که امید است در آینده نزدیک، این امکان فراهم شود.

سؤالات تحقیق

براساس آنچه گذشت، سؤالات اصلی و فرعی پژوهش حاضر، به شرح ذیل است:

- سؤال اصلی

چالش‌های علمی و آموزشی فراروی حوزه‌های علمیه کدام‌اند؟

- سؤالات فرعی

- ضرورت بررسی وضعیت موجود حوزه علمیه، برای شناسایی و علت‌یابی نارسایی‌ها

چیست؟

- ضرورت شناسایی موانع و راهکارهای ترمیم و بالندگی در حوزه کدام‌اند؟

- سیاست‌های زمینه‌ساز آغاز اصلاحات در حوزه کدام‌اند؟

- کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌های احتمالی در حوزه‌های علمیه، در چه زمینه‌هایی بوده است؟

زمینه تحقیق

متأسفانه، در زمینه ارزیابی عملکرد حوزه علمیه در عرصه‌های مختلف آن، کار تحقیقی ویژه‌ای صورت گرفته. بسیاری از مجموعه‌های منتشر شده، به صورت سطحی و موضعی بوده است. البته در بسیاری از نشریات و مجلات حوزه‌ای و غیر حوزه‌ای، به وسیله مقالات و مصاحبه‌هایی، نقادی‌های متعدد درباره وضعیت ابعاد ساختاری، محتوایی و برنامه‌ای حوزه منتشر شده است. البته درباره محدودیت‌های تحقیق حاضر، باید اذعان داشت که غیر از فقدان علمی درخور توجه و محدودیت زمانی مالی و انسانی، آنچه در بررسی عملکرد فرهنگی حوزه علمیه محدودیت ملموسی ایجاد کرد، تولید نشدن اطلاعات آماری مورد نیاز برای چنین بررسی یا عدم امکان دسترسی به اطلاعات موجود بود. هرچه به مراکز متنوع و متعدد حوزوی یا مراکزی که روحانیت در آن مسئولیت دارند، بیشتر مراجعه کردیم، کمتر به اطلاعات قابل توجهی دست یافتیم (البته کم، به تناسب بزرگ روستا)، با این وصف، از اظهار نظرهای رسمی مسئولان برخی مراکز، شخصیت‌های سروری و غیرحوزوی، آمار نظرسنجی‌های ملی، آمار برخی پژوهش‌ها یا نظرسنجی‌های پیشین در مراکز حوزوی یا وابسته به حوزه علمیه، استفاده مناسب به عمل آمد. افزون بر این، به استناد حدود ۱۰۰ هزار اثر مکتوب حوزوی در بعد از انقلاب، براساس معیارهای تعریف شده، این مجموعه نگارش تولید گردید.

روش تحقیق

روشی که در این پژوهش برای تحقق هدف اصلی به کار رفته، روش مطالعه اسنادی و استفاده از مصاحبه‌ها و اظهار نظرهای صاحب‌نظران و همچنین مراجعه به منابع آماری - در

حد توان این تحقیق - و مطالعه محدود میدانی با تولید اطلاعات آماری، با استفاده از پاره‌ای آثار مکتوب حوزوی بوده است.

نوع تحقیق

این تحقیق، دارای ابعاد راهبردی (Strategic) و کاربردی (Applied) است و در سه سطح توصیفی (Descriptive)، تبیینی (Explanatory) و تجویزی (Prescriptive) انجام خواهد شد.

چیکه روند تحقیق حاضر

آنچه در این تحقیق پژوهش مورد دقت قرار گرفته، در دو بخش تنظیم شده است.

در بخش اول، ضمن تبیین ضرورت و اهمیت تحقیق و مفهوم‌شناسی مفاهیمی نظیر چالش، آموزش و حوزه علمیه، سبقه‌بندی سخنرانی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۴ در مدرسه فیضیه قم پرداخته شده و به بیان مسئله اصلی، فرعی و تبعی نمودن آن مطابق مطالبات معظم له، تقسیم‌بندی گردیده است.

بخش اول، شش فصل دارد که در هر یک از آنها به راهکارهای نظری و عملی، تحقق و کاربردی شدن فرمایش‌های مقام معظم رهبری پرداخته شده است.

در بخش دوم، عملکرد علمی و آموزشی حوزه علمیه، در سه فصل ارزیابی شده که در فصل اول، ضرورت ارزیابی موضوع آموزش به مثابه عنصری محوری در حرکت تکاملی روحانیت در حوزه‌های علمیه و در فصل دوم، به بررسی نقاط قوت و محسنات آموزش و در فصل سوم به بررسی کاستی‌ها و بایدها و در فصل آخر نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

حسن ختام

در پایان لازم می‌دانم از دوست بسیار خوب و رزمنده‌ام در دوران دفاع مقدس، حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین کیان‌پور، ریاست محترم گروه روحانیت که در جای جای این تحقیق از ابتدا مرا تشویق و راهنمایی فرمودند، تشکر ویژه کنم.

همچنین از تمام کسانی که در امر فیش برداری، تحقیق و مصاحبه که به شکلی در استخراج و یادداشت برداری اطلاعات اولیه، اینجانب را یاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی به عمل آورم. همچنین از آقایان علی اصغر رستمی، حسن نوروزی، محسن نوراحمدی، جعفر معالی، عبدالرضا موحد و خانم‌ها فردوس لامی‌زاده، فاطمه مهدوی، هبءالسادات حسنی، کمال تدبیر و تشکر را دارم.

امیدوارم اگر کسی در این تأملات باشد، خداوند متعال ثواب آن را به شهیدان حمید صالح نژاد و سعود اکبری هدیه کند.

محمد مهدی بهداروند

پاییز ۱۳۹۰